

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه لیل

استاد ضرابی اسفند ۱۴۰۰

جلسه سوم ۹۹/۱۲/۲۹

آیات شریفه: «فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَاتَّقَى (۵) وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى (۶) فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى (۷) - اما آنکه [حق خدا را] داد و پروا داشت (۵) و [پاداش] نیکوتر را تصدیق کرد (۶) بزودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت (۷)»

عنوان: درسی که زندگی در رحم به ما می آموزد

« فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَاتَّقَى (۵) وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى »: همه ما انسان ها تصدیق می کنیم که ذره ای بودیم در رحم مادر، از حال خود خبر نداشتیم و چرخه زندگی مان در عالم رحم تا وقتی که بدنیا آمديم را در جهت تکامل و رشد خود باور داریم تا آنجا که آن ذره ناچیز دارای اعضاء و جوارح شد که در عالم دنیا به رحم بزرگتری منتقل گردید.

تا به اینجا فطرت و عقل سلیم آفریدگار خود را که ذره ای را تغذیه و مدیریت نمود تا آن را بزرگ کرد و به او چشم و گوش و اعضا و جوارح دارد تصدیق دارد و این فهم و شعور و با خبر شدن از خود در مقابل آن وقتی که در عالم رحم از خود بی خبر بود قرار گرفت؛ یعنی با این چشم و گوش و اعضا ادراکی خود فهم و شعور در او ایجاد شد .

اکنون در این رحم بزرگ تر دنیا چرخه زندگی را مشاهده می کند و می فهمد آن خدایی را که او را آفریده، او را در یک حرکت تکاملی در مراحل و فصول مختلفی پیش آورده؛ می فهمد که این سیر ادامه دارد و او همچنان مراحل را به اراده آفریدگارش می گذراند که به دست او نیست؛ از کودکی به نوجوانی و غیره، در این چرخه زندگی دنیا آماده می شود برای ورود به منزل دیگری که نیاز به

اراده ، فهم و شعوری برتر دارد که در مراحل قبل آن را نداشت و با تربیت پروردگارش باید آن را در همین دنیا تحصیل کند و آن عبرت گرفتن و تدبیر درباره راهی است که تا به اینجا آمده و به رشد و تکامل رسیده اکنون برای دیدن و فهمیدن ادامه مسیر و غایتی که به سوی آن می‌رود، باید فهم خود را بکار بگیرد؛ البته خداوند در این مرحله غیر از فطرت و حجت درونی، حجت‌های بیرونی فرستاده؛ پیامبرانی از جنس خود او ولی کامل و مشرف و آگاه و اهل مشاهده عوالم غیب و اهل مشاهده بهشت و جهنم و منزل و قرارگاه ابدی انسان؛ زیرا می‌خواهد چشم و گوش دیگر و ادراکی برتر به انسان ببخشد.

خلقت آدم برای جستجوست هر که جویا نیست چون نقش سیوست

هر که طالب نیست انسانش مخوان رنگ و صورت دارد اما نیست جان

اگر جنین می‌دید، می‌شنید و می‌دانست! چشم و گوشی که اگر آن را در مرحله وجود ذره‌ای خود در رحم مادر می‌داشت و می‌توانست با آن بیرون رحم را ببیند، خود را در زندانی محبوس می‌دید و مانند انسانی که از قعر چاهی ظلمانی به دنیای بیرون می‌نگرد و آرزوی روز رهایی را می‌کشد و تمنای زندگی در فراخنای سبز و فرحبخش آب و گیاه و آسمان آبی و صحراها و دشت‌های وسیع آن را دارد، بی‌قراری می‌کرد.

اکنون پیامبران با کتاب‌هایی آسمانی که خبر از چگونگی زندگی آخرت می‌دهد دوره‌ای از حیات و زندگی را به تصویر می‌کشد که محدودیت‌های بدن مادی جهان طبیعت را ندارد و انسان می‌تواند با اراده خود به هر کجا می‌خواهد سیر کند و هر کجا را که می‌خواهد مشاهده کند و بشنود و خود با پروردگارش سخن بگوید و جواب بشنود. و این بار وسیله سیر او اعضا و جوارح ضعیف و آسیب‌پذیر و ناتوان جسم او نیست، بلکه اراده و شعوری برتر است که باید اساس آن در همین دنیا تحصیل شود.

پروردگار مهربان همان‌گونه که برای پرورش کودک و آموزش زبان به او و مهارت‌های زندگی، پدر و مادری مهربان را در کنار او قرار داد که همه این

کمالات را بالفعل دارند و کودک بخاطر نعمت سلامت قوای ادراکی و تحریکی که کمال آن را در مرحله زندگی در عالم رحم، بی‌کم و کاست بدست آورده اکنون می‌تواند با مشاهده رفتار آنها و دیدن توانمندیهای آنها بسرعت رشد می‌کند و آن توانائی‌ها را که پدر و مادر او دارند واجد شود، اکنون در این مرحله به تربیت و تعلیم فرستادگان الهی خداوند از انسان می‌خواهد پیامبری را که چشم و گوش و ادراک و شعور برتری از پروردگارش دریافت کرده که می‌تواند ملائکه الهی را مشاهده کند، بهشت را به اذن الهی ببیند و نغمه‌های آن را بشنود، جهنم را با عذاب‌های فوق طاقتش رصد کند و از همه مهمتر آن که با پروردگارش صحبت کند، از او درخواست داشته باشد و جواب بگیرد و از حوادث و اسرار آینده و گذشته باخبر شود، چنین پیامبری را به عنوان پدر معنوی خود پیروی کند و نیز برخی دیگر از پروریده‌های مکتب او را که همانند او به کمال انسانی رسیده اند بنگرد و پا جای پای آنها بگذارد. زهرای مرضیه و علی مرتضی را پدر و مادر معنوی خود بداند، تا بسرعت رشد کرده با دیدن توانمندی‌های آن‌ها و تبعیت و پیروی از آنها بهشت و جهنم را با چشم قلب خود ببیند و گفتگو و همنشینی با خدای خود را تجربه کند، از او درخواست کرده جواب بگیرد.

علمی که ترا گره گشاید بطلب زان پیش که از تو جان برآید بطلب

آن نیست که هست مینماید بگذار آن هست که نیست مینماید بطلب

عنوان: جهاد با مال و جان سرمایه بیداری و شعور برتر

در این مرحله ، حیات برتر را به جبر به کسی نمی‌دهند و انتخاب و اراده و معرفت می‌خواهد، بویژه توانایی گذشتن از اموال و صدقه دادن به نیازمندان در راه خدا و گاهی هم جهاد در راه خدا و غیر آن، برخی از مردم پیامبر خدا و جانشینان او را پیروی می‌کنند و کمال می‌پذیرند و برخی دیگر هم در منزل حیات حیوانی و پست‌تر از آن متوقف می‌مانند.

خوب است با یکدیگر شواهدی از این پذیرش و عدم پذیرش هدایت الهی را در ماجراهای زندگانی پیامبر(صلی الله علیه وآله) مرور کنیم و ببینیم که چگونه آن

حضرت می‌کوشد شعور و ادراک برتر را در افرادی بیدار کند اما آنها نمی‌پذیرند و در مقابل عده‌ای دیگر پذیرای آن هستند:

امام سجاد (سلام الله علیه) فرمود: «كَانَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ {مُوسِرٌ} عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ (ص) فِي دَارٍ {لَهُ} حَدِيقَةٌ وَ لَهُ جَارٌ لَهُ صَبِيَّةٌ فَكَانَ يَتَسَاقَطُ الرُّطْبُ مِنَ النَّخْلِ فَيَنْشُدُونَ صَبِيَّتَهُ يَأْكُلُونَهُ فَيَأْتِي الْمُوسِرُ... - در زمان پیامبر (ص) مرد مؤمنی در خانه باغی بود و همسایه ای داشت که کودکانی داشت. خرما از نخل می افتاد و کودکان آن را جستجو می کردند و می خوردند. ثروتمند می آمد و خرما را از داخل دهان کودکان بیرون می آورد. مرد مؤمن این را به پیامبر (ص) شکایت کرد. پیامبر تنهایی نزد مرد رفت، فرمود: «باغت را به باغی در بهشت به من بفروش». ثروتمند به او گفت: «نقد را به تو به نسیه نمی فروشم». پیامبر (ص) گریست و به سوی مسجد بازگشت. امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) او را دید و به او گفت: «ای رسول خدا (ص)! چه چیز شما را به گریه انداخته؛ خدا چشمانت را نگریاند؟» موضوع مرد ضعیف و باغ را به او خبر داد، امیرالمؤمنین (ع) روی آورد تا او را از منزلش بیرون کشید و به او گفت: «خانه ات را به من بفروش». ثروتمند گفت: «در عوض باغ هموار و آبگیرت»، پس بر دستش زد و دور ضعیف گشت و به او گفت: «به خانه ات برگرد پروردگار جهانیان آن را ملک تو قرار داده است». و امیرالمؤمنین (ع) آمد و جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شد. به او گفت: «ای محمد! بخوان: وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى * وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى * وَ مَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى... سپس پیامبر (ص) برخاست و میان دو چشمش بوسه زد سپس فرمود: «پدرم به فدایت! خداوند همه‌ی این سوره را در مورد تو نازل کرده است» (بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۳۷)

جهد میکن تا از او یابی اثر واجب این علم است اگر داری خبر

علم صورت پیشه آب و گل است علم معنی رهبر جان و دلست

عنوان: تنوع و گونه‌گونی مصادیق «من أعطى...»

رسول خدا (ص) از کنار مردی گذر می‌کرد که در باغش مشغول کاشتن درختی بود، حضرت (ص) ایستاد و به او فرمود: «آیا درختی به تو معرفی کنم که ریشه‌اش استوارتر باشد و زودتر برسد و میوه‌های پاکتر و بادوامتر بدهد؟» عرض کرد: «ای رسول خدا (ص)! مرا راهنمایی کن!» فرمود: «هرگاه وارد صبح و شام شوی بگو: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر، که اگر این را بگویی برای تو در برابر هریک تسبیح، از هر میوه‌ای ده درخت در بهشت خواهد بود و این کلام یکی از مصادیق باقیات صالحات است». آن مرد گفت: "ای رسول خدا (ص)! من تو را شاهد می‌گیرم و این باغم را تحویل تو می‌دهم تا برای مسلمین صدقه باشد." پیامبر (ص) خواند: فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَ اتَّقَى وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى. (بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۷)

در ذیل همین آیه شریفه علی بن ابراهیم (رحمة الله علیه) می‌گوید: «مردی انصاری نخلی در خانه‌ی مرد دیگری داشت که بدون اجازه وارد خانه‌ی او می‌شد. صاحب‌خانه شکایت او را نزد رسول خدا (ص) برد. رسول خدا (ص) به صاحب نخل فرمود: «این نخلت را در ازای نخلی در بهشت به من بفروش». او عرض کرد: «نمی‌فروشم». حضرت (ص) فرمود: «در ازای باغی در بهشت می‌فروشی؟» عرض کرد: «نمی‌فروشم و رفت». ابودحداح نزد او رفت و نخل را از او خرید و نزد رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: «ای رسول خدا (ص)! این نخل را بگیر و در ازای آن، همان باغی را به من بده که در بهشت به او پیشنهاد کردی، اما او نپذیرفت». رسول خدا (ص) فرمود: «چندین باغ در بهشت از برای تو است».

امام باقر (علیه السلام) به عنوان تطبیق آیه شریفه بر مصادیق آن می‌فرماید: «فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَ اتَّقَى وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى یعنی خداوند متعال در ازای یکی، ده تا صدهزار و حتی از این بیشتر عطا می‌کند.» (الکافی، ج ۴، ص ۴۶)

امام صادق (علیه السلام) نیز می‌فرماید: «مَنْ أُعْطِيَ یعنی خمس. وَ اتَّقَى - از حکومت و دوستی با طاغوتیان پرهیزد.» (مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۸۰)

و نیز فرمود: « فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى... - یعنی جان خویش را به حق بخشید و از باطل پروا کرد. » (بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۹۸)

امام علی (علیه السلام) فرمود: « رستگار شد آن کس که [در راه خدا] انفاق کند و پرهیزگاری پیش گیرد. » (بحار الأنوار، ج ۳۴، ص ۱۳۸)

امام باقر (علیه السلام) در مورد دیگر فرمود: « فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى ، منظور حضرت علی (ع) است که غذای خود را صدقه داد و روزه گرفت تا نذر خود را ادا نمود و انگشت خود را در حال رکوع صدقه داد و همچنین مقدار را بر خویش مقدم داشت و تنها دیناری را که برای خرید طعام قرض کرده بود به او هدیه نمود. » (بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۳۲)

همچنین امام صادق (علیه السلام) فرمود: « فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى [منظور] خمس است. وَ اتَّقَى؛ [یعنی] از ولایت طاغوتیان. وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى؛ ولایت حضرت علی (ع) را. » (بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۴۶)

عیب از ماست اگر دوست مستور است دیده بگشای که بینی همه عالم طور است
لاف کم زن که نبیند رخ خورشید جهان چشم خفاش که از دیدن نور کور است

عنوان: جهانی که هیچ درد و رنجی در آن نیست

« فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى »: ما به سوی خدا می‌رویم و منزلگاه مؤمنین جوار قرب پروردگار است و حیات و زندگی در آن منازل عالی وجود قابل قیاس با زندگی دنیا نیست.

رسول اکرم (ص) فرمودند: « فِي الْجَنَّةِ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ - در بهشت چیزهایی هست که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه به خاطر کسی گذشته. » (نهج الفصاحه، ح ۲۰۶۰)

در روایت می‌خوانیم که امام باقر (ع) ذیل این آیه شریفه فرمود: « فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ... فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى قَالَ: لَا يُرِيدُ شَيْئاً مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا يَسِّرُهُ اللَّهُ لَهُ - هیچ امر

نیکی را نمی‌خواهد جز آنکه خداوند آن را پیش پایش می‌گذارد.» (مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۸۰)

امام صادق (علیه السلام) مفهوم آیه شریفه فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى را همان بهشت می‌داند. (بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۹۸) و رسول اکرم (ص): می‌فرماید: «مَنْ اشْتَاقَ إِلَى الْجَنَّةِ سَارَعَ فِي الْخَيْرَاتِ - هر کس مشتاق بهشت است برای انجام خوبی‌ها سبقت می‌گیرد. (بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۹۶) و امیر المؤمنین (ع) تأکید می‌فرماید که: «أَنَّهُ لَيْسَ لَأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا - برای جان‌های شما بهایی جز بهشت نیست، پس آنها را جز به بهشت نفروشید. (بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۳، ح ۷۱)

اما چه باید کرد تا بتوانیم به بهشت برسیم رسول مکرم (ص) می‌فرماید: «اضْمَنُوا لِي سِتًّا مِنْ أَنْفُسِكُمْ اضْمَنْ لَكُمْ الْجَنَّةَ اصْدُقُوا إِذَا حَدَّثْتُمْ وَأَوْفُوا إِذَا وَعَدْتُمْ وَأَدُّوا إِذَا تَوَعَّدْتُمْ وَاحْفَظُوا فُرُوجَكُمْ وَغَضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَكَفُّوا أَيْدِيَكُمْ - شش چیز را برای من ضمانت کنید تا من بهشت را برای شما ضمانت کنم، راستی در گفتار، وفای به عهد، بر گرداندن امانت، پاکدامنی، چشم بستن از گناه و نگه داشتن دست (از غیر حلال).» (نهج الفصاحه، ح ۳۲۱)

و نیز فرمود: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا أَفَلَا أَنْبَأُكُمْ بِشَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفَشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ - به خدایی که جان محمد در دست (قدرت) اوست به بهشت نمی‌روید تا مؤمن شوید و مؤمن نمی‌شوید تا یکدیگر را دوست بدارید، آیا می‌خواهید شما را به چیزی خبر دهم که با انجام آن، یکدیگر را دوست بدارید؟ سلام کردن بین یکدیگر را رواج دهید.» (نهج الفصاحه، ح ۱۵۵۵)

و همچنین بشارت می‌دهد که: «أَنَا زَعِيمٌ بِبَيْتٍ فِي رَبْضِ الْجَنَّةِ وَ بَيْتٍ فِي وَسْطِ الْجَنَّةِ وَ بَيْتٍ فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ، لِمَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَ انْ كَانَ مُحِقًّا وَ لِمَنْ تَرَكَ الْكَذِبَ وَ انْ كَانَ هَازِلًا وَ لِمَنْ حَسَّنَ خُلُقَهُ - من خانه‌ای در حومه بهشت و خانه‌ای در مرکز بهشت و خانه‌ای در بالای بهشت ضمانت می‌کنم برای کسی که بگومگو را رها کند، هر چند حق با او باشد و برای کسی که دروغ گفتن را اگر چه به

شوخی باشد، ترک گوید و برای کسی که اخلاقش را نیکو گرداند.» (خصال، ص ۱۴۴، ح ۱۷۰) رزقنا الله و ایاکم انشاء الله

دانی که چیست دولت دیدار یار دیدن	در کوی او گدایی بر خسروی گزیدن
از جان طمع بریدن آسان بود و لیکن	از دوستان جانی مشکل توان بریدن
خواهم شدن ببستان چو غنچه با دل تنگ	و آنجا به نیک نامی پیراهنی دریدن
که چون نسیم با گل راز نهفته گفتن	که سرّ عشق بازی از بلبلان شنیدن